

## نگاهی موشکافانه به وضعیت جریان اصلاحات در عصر جدید

# بیست و پنج سال بعد از «دوم خرداد»



جعفر حسن‌خانی  
سیاست‌پژوه

از دوم خرداد ۱۳۷۶ بیش از دو دهه می‌گذرد اما در همه این سال‌ها این خاتمی بوده که رهبری جریان دموکراسی‌خواه اصلاحات را بر عهده داشته، او هیچ‌گاه تلاش نکرده روندهای مردمسالارانه را در انتخاب رهبری جریان اصلاحات فعال کند و همواره خود را در جایگاه رهبری این حزب تثبیت کرده است. مردی با عبا‌ی شکلاتی؛ عنوان برنامه‌ای بود که هفته‌نامه چلچراغ در تاریخ پنجشنبه یکم دی ماه ۱۳۸۴ برای بدرقه رئیس‌جمهور اصلاحات برگزار کرد. از آن تاریخ به این سو با دوری رهبر جریان اصلاحات و جریان حامی او از قدرت تکاپو برای بازگشت به قدرت آغاز شد اما راه پر فراز و نشیبی را طی کرد.

سیدمحمد خاتمی که دوم خرداد ۱۳۷۶ توانسته بود با حمایت مخالفین رئیس‌جمهور وقت یعنی آقای هاشمی رفسنجانی، پیروز انتخابات شود حالا در سال ۱۳۸۴ قدرت را به مخالفین خود واگذار کرده بود و از آن زمان تا به امروز جریان اصلاحات در تمنا‌ی بازگشت خود بر مسند قدرت است. آنچه از پس سال‌ها، امروز در جریان اصلاحات قابل مشاهده است حاصل زعامت آقای سید محمد خاتمی است که همواره در این سال‌ها رهبری جریان اصلاحات را به عهده داشته است. او در پس این سال‌ها در شرایط حاضر، روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد و با بحران‌هایی جدی روبرو است که از جمله آنها می‌توان به موارد پیش رو اشاره کرد:

### ■ بحران سرمایه انسانی

یکی از چالش‌های جدی اصلاحات نداشتن نسل جدید نیروهای دیوانسالار (بوروکرات) است. نیروهایی که تخصص حکمرانی و توان مدیریت کلان‌کشوری داشته باشند. از یک سو احزاب جریان اصلاحات به جای تربیت نیروی انسانی بوروکرات برای کشورداری و حکمرانی به عنوان یک وظیفه حزبی، همه سرمایه انسانی خود را تبدیل به

روزنامه‌نگاران ایده‌آلیست و پیکارجو نموده و از انجام این وظیفه مهم شانه خالی کرده‌اند و از دیگر سو وارد کردن همه نیروی انسانی اصلاحات در اقدامات قانون سستیزانه سال ۸۸ عملاً جوانان این جریان را از کسب مناصب قانونی محروم کرد و راهی جز روزنامه‌نگاری نماند و این هزینه بزرگی بود که رهبر جریان اصلاحات در آن سال به آن فکر نکرده بود.

انتخابات ۱۴۰۰ و اعلام نامزدی مصطفی تاج‌زاده برای انتخابات ریاست جمهوری را می‌توان سمبل بحران نیروی انسانی بوروکرات در جریان اصلاحات دانست.

### ■ ادبیات «موقعیت حساس کنونی»

#### ویرساخت‌های رادیکال از عملکرد حاکمیت

این امکان را برای سید محمد خاتمی فراهم کرده تا همواره این جایگاه را برای خود توجیه و تلبیب کند و مانع تغییرات دموکراتیک در لایه رهبری این جریان شود. در کنار این مهم در این سال‌ها جایگزین شدن رویکرد جبهه‌ای به جای فعالیت حزبی در جریان اصلاحات، عملاً استقلال عمل احزاب اصلاح طلب از ایشان سلب شده و به واقع نوعی اقتدارگرایی درون تشکیلاتی شکل گرفته است. در این شرایط وقت آن است که نسل جدید اصلاح طلبان این پرسش را طرح کنند که آیا با وجود روندهای اقتدارگرایانه در تشکیلات و جریان اصلاحات، می‌توان دموکراسی را در جامعه بسط داد؟

### ■ بحران سرمایه اجتماعی

رهبر جریان اصلاحات همواره در جلسات خصوصی و نامه‌نگاری‌های محرمانه ادعای تقلب گسترده در انتخابات را رد کرده است. اما برای از دست نرفتن سرمایه اجتماعی خود هیچگاه حاضر نشده به صورت علنی موضع خود را طرح کند و همواره در ساحت عمومی به ادعای اثبات نشده تقلب گسترده وفادار مانده است.

او همه آن سرمایه اجتماعی را در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ بدون هیچ دستاوردی صرف حمایت از حسن روحانی کرد و امروز همه آن سرمایه اجتماعی بر باد رفته است. آقای خاتمی با پذیرش اشتباهات ۸۸ با صرف بخش اندکی از سرمایه

اجتماعی خود می‌توانست راه بازگشت خود و حامیانش را به حاکمیت باز کند و در انتخابات ۹۲ و ۹۶ بدون کاندیدای عارضی و اجاره‌ای به رقابت در انتخابات بپردازد. با این حال او ترجیح داد با حمایت از روحانی راهبر بازگشت بدون پذیرش اشتباه را دنبال کند.

نتیجه آن که دولت روحانی همه تخم مرغ‌های سرمایه اجتماعی اصلاح طلبان را با ناکارآمدی خود یکجا شکست و مردم به حق، ناکارآمدی روحانی را ناکارآمدی اصلاح طلبان قلمداد کردند. روحانی در طول دوران ریاست جمهوری در جهت آشتی اصلاح طلبان با حاکمیت هم گام مؤثری برنداشت چراکه از این شرایط ذینفع بود چون علت وجودی‌اش وجود همین شکاف بود و منتفی شدن این شکاف معنای وجودی او را از بین می‌برد. احتمالاً بخش مؤثری از علت حل نشدن مساله حصر در دولت اعتدال را باید در نتیجه همین مهم دانست.

### ■ بحران هویت

در درون جریان اصلاحات گرایشها و گروه‌هایی با تفاوت‌های چشمگیر دیده می‌شود. در یک سوی این جریان سوسیالیست‌ها با لیبرال‌های طرفدار بازار آزاد با هم در کشمکش هستند. در سوی دیگر توسعه‌گرایان با دموکراسی‌خواهان در رقابتند و گروه اول اولویت کشور را توسعه می‌دانند و گروه دیگر دموکراسی. آن طرف‌تر عملگرایان منفعت‌طلب با ایده‌آلیست‌ها و آرمان‌خواهان تندرو در حال منازعه هستند. کمی دورتر نیروهای در قانون‌اصلاح‌طلب با نیروهای بر قانون این جریان که دیگر نمی‌توان به ایشان عنوان اصلاح طلب را اطلاق کرد با هم مجادله دارند. همه این شکاف‌ها مؤید وجود بحران چیستی و هویتی در این جریان است. فرایند مجدد معنا بخشی به خود و معنا‌یابی از خود در جریان اصلاحات از جمله دشواری‌های پیش روی این جریان است.

### ■ بحران شکسته شدن انحصار انتقاد

شاید مهم‌ترین مزیت نسبی جریان اصلاحات داشتن انحصار انتقاد از نظام و دولت در میان همه گروه‌های سیاسی بوده است. اما امروز شاهد



آرشو عکس روزنامه ایران

میان‌ه‌برانه‌ها در حال برداشت همه آن چیزی است که در این سال‌ها کاشته است. او در بیشتر مواقع با گرفتن تصمیمات سخت همه چیز را به تعلیق و تعویق انداخته با امید به اینکه زمان خود مسائل را حل خواهد کرد اما هر چه گذشته بر عمق مشکلات و مسائل جریان اصلاحات افزوده است. (منبع: رسانه بهمن)

همچون گذشته جریان اصلاحات نمی‌تواند به حمایت همه‌جانبه منتقدین نظام امیدوار باشد دیگر اصلاح‌طلبی تنها کانال گفت و گوی منتقدین نظام با نظام نیست.

### ■ فرجام سخن

در ابتدای قرن جدید مردی با عبا‌ی شکلاتی در

آن هستیم که این انحصار شکسته شده و بخشی از نیروهای مدافع اسلام سیاسی و مخالف اصلاحات نظیر عدالتخواهان ویا احمدی‌نژادی‌ها خود دارای تریبون‌های بزرگ انتقاد از روندهای حکمرانی در کشور شده‌اند. این وضعیت معنای مشخصی دارد و آن اینکه حمایت بدنه اجتماعی منتقدین نظام دیگر به جریان اصلاحات منحصر نمی‌شود. دیگر

«ایران» از پشت پرده تحولات اخیر سوریه گزارش می‌دهد

## دیداری که صهیونیست‌ها را به وحشت انداخت

یاسین شاه‌مردی  
پژوهشگر



khamentir

تحولات اخیر سوریه حاکی از آن است که با توجه به غلبه دولت و ملت سوریه بر تروریسم بین‌الملل و بعد از سفر بشار اسد به تهران، بار دیگر این کشور به کانون تحولات در منطقه غرب آسیا باز خواهد گشت. بسیاری از کشورهای عربی در سال ۲۰۲۰ و بعد از آن، موج عادی‌سازی روابط خود را با دولت سوریه آغاز کردند؛ کشورهایی که در این بحران در خط مقدم جبهه تروریسم علیه دولت سوریه قرار گرفته بودند. بعد از روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، یکی از محورهای اصلی این کشورها، وعده بازسازی سوریه در ازای سردی روابط تهران - دمشق در وهله اول و خارج کردن سوریه از محور مقاومت در مرحله دوم بود. بازگشت سوریه به اتحادیه عرب در مقابل سردی روابط با محور مقاومت هم از گزینه‌های پیشنهادی بود.

در ماه‌های اخیر هم روزنامه‌های صهیونیستی در گزارش‌های مختلفی از پیشنهاد صهیونیست‌ها به دولت بشار اسد به‌واسطه امارات متبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی حاکمیت دولت سوریه بر جولان اشغالی را خواهد پذیرفت و منطقه جولان بار دیگر در اختیار دولت سوریه قرار می‌گیرد. البته صهیونیست‌ها این روند را به‌طور تدریجی اعلام کرده بودند. در مقابل دولت سوریه هم خود را از محور مقاومت خارج بسازد و حتی صحبت از این بود که آمریکا به‌صورت تدریجی از شمال شرق سوریه خارج خواهد شد. این پیشنهادات در دوره نخست‌وزیری «بنیامین نتانیاهو» به دولت سوریه عرضه شده بود. پاسخ دولت سوریه به هر کدام از پیشنهادات این بود که جولان اشغالی دیر یا زود به خاک سوریه باز خواهد گشت و ما در مورد سرزمین خود معامله نخواهیم کرد، آمریکایی‌ها هم از شرق سوریه خارج خواهند شد.

بعد از شکست طرح‌های پیشنهادی صهیونیستی، عربی و آمریکایی و بخصوص بعد از سفر آقای بشار اسد به تهران، تحولات در سوریه از چند جهت قابل بررسی است:

- ۱ افزایش حملات رژیم صهیونیستی به سوریه: بررسی تحولات اخیر سوریه بخصوص در یک ماه اخیر نشان‌دهنده افزایش حملات رژیم صهیونیستی به سوریه است، به گونه‌ای که در یک هفته اخیر دو حمله به ارتش سوریه، توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفت که در آخرین حمله این رژیم، سه نظامی سوری به شهادت رسیدند. سؤال اینجاست که چرا رژیم صهیونیستی حملات خود را افزایش داده است؟ عوامل متعددی برای افزایش حملات رژیم صهیونیستی به سوریه را می‌توان ذکر کرد که مهم‌ترین‌ها آنها عبارتند از:

- ۱- دستاورد بیرونی برای پوشش شکست‌ها در جبهه داخلی
- ۲- بالا نگه داشتن روحیه تروریست‌ها در ادلب سوریه
- ۳- فضا سازی برای حفظ توازن قوا در سوریه و پیام به جمهوری اسلامی و حزب الله
- ۴- سوءاستفاده از صبر دولت سوریه در خصوص هرگونه عدم پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی

### ■ سخن پایانی

جمع‌بندی تحولات اخیر سوریه این را نشان می‌دهد که ایالات متحده از یک‌سو و ترکیه و رژیم صهیونیستی بعد عادی‌سازی مجدد روابط با هم‌بگردد، فعالیت‌های خود را در سوریه آغاز کردند. این فعالیت‌ها در پیوند با تروریسم چندملیتی به‌دنبال بازگرداندن سوریه به قبل از تحولات سال ۲۰۱۵ است. جایی که ارتش سوریه به همراه متحدین خود توانست از سال ۲۰۱۵ کفه ترازو را به نفع خود بالا ببرد. از سویی دیگر ترس و وحشت صهیونیست‌ها، آمریکا و ترکیه از سفر بشار اسد به تهران و ایفای نقش بیشتر تهران در سوریه بخصوص بعد از بحران اوکراین، بار دیگر سوریه را به کانون تحولات باز گردانده است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در روزها و ماه‌های آینده سوریه آستان تحولات مهمی خواهد بود.

- ۱- دستاورد بیرونی برای پوشش شکست‌ها در جبهه داخلی
  - ۲- بالا نگه داشتن روحیه تروریست‌ها در ادلب سوریه
  - ۳- فضا سازی برای حفظ توازن قوا در سوریه و پیام به جمهوری اسلامی و حزب الله
  - ۴- سوءاستفاده از صبر دولت سوریه در خصوص هرگونه عدم پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی
- ۲ چراغ سبز امریکایی‌ها برای سرمایه‌گذاری در شرق سوریه (تحت کنترل کردها): امریکایی‌ها بعد از ناامیدی از دولت سوریه، به‌دنبال حفظ حضور خود در شمال شرق سوریه و ایجاد فضای امن برای کردهای جدایی‌طلب در این منطقه هستند. از این روی وزارت خزانه‌داری آمریکا با سرمایه‌گذاری در ۱۲ بخش از جمله کشاورزی، ساخت‌وساز و امور مالی سوریه موافقت کرده است. ایالات متحده از سویی دیگر، یک نشست امنیتی با ترک‌ها در منطقه اشغالی جرابلس سوریه که تحت اشغال تروریست‌های تحت حمایت ترکیه قرار دارند، برگزار کرد. این نشست امنیتی برای تقسیم قدرت در منطقه شمال شرق سوریه بین کردهای جدایی‌طلب و تروریست‌های مورد حمایت اردوغان است.
- ۲ بازطراحی داعش در صحرای دیر الزور و بیابان‌ها مشترک سوریه و عراق: چراغ سبز بازطراحی داعش توسط حامیان آن در سوریه و عراق فعال شده است. داعش در طی مدت اخیر چندین حمله به گشتی‌های ارتش سوریه داشته است که منجر به شهادت نظامیان سوریه شده و همچنین محور تجاری القائم-البوکمال را ناامن کرده بودند.
- ۲ بازگرداندن سوریه به قبل از سال ۲۰۱۵:

**پیشنهاد**  
۳۰۰ کتاب خواندنی  
از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی تهیه نمایید

**پیشنهاد**  
۳۰۰ کتاب خواندنی  
از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی تهیه نمایید

ایران  
روزنامه‌های ایران

- گفتاری از عباس کمبلی «حلقه‌های میانی؛ پیشران حرکت عمومی جامعه نوجوانی از جنبه علم‌الهدی از تراخ ماشین‌ها و عدالت
- درنگی تو از احمد واعظی «دولت و بی‌معنایی «خدمت منهای عدالت»
- پاسخ داود مهنودی زادگان به احمد زیدآبادی «نسبت امر سیاسی و امر قدسی
- نقد شهریار زین‌العابدین به خوانش بی‌پولیستی از سفرهای انسانی «نولیبرالیسم ایرانی و تجزیه مردم
- گفت‌وگو با ابراهیم منتقی «سازگاری رابطه با «شرق و غرب» با «اصل «نه شرقی، نه غربی»؟
- گفت‌وگو با دولت میرزاجم «عدالت و جمهوری»
- گفت‌وگو با عباد افروغ «حق بنیاد عدالت و جمهوریت است